

زنجره پایگاه‌های میان‌فرهنگی و میراث جهانی جاده ابریشم در کشورهای عضو سازمان اکو

حسن باستانی‌راد^۱

چکیده

کشورهای گستره جغرافیایی- تاریخی عضو سازمان اکو، بستر اصلی جاده‌های تجاری، فرهنگی و اجتماعی کهن را تشکیل می‌دهند. جاده‌ها را می‌توان پیونددهنده جوامع در این کشورها دانست که از طریق آن میراث و قابلیت‌های خود را به اشتراک گذاشته‌اند. از این‌رو، هویت جمعی، میراث مشترک تاریخ و فرهنگ مشترک در این کشورها، مهم‌ترین ویژگی در پیوند دیرینه میان آنهاست. بنابر پژوهش‌های جدید، هزاران کیلومتر جاده، در گستره جغرافیایی جاده‌های موسوم به ابریشم وجود داشته است. نیمی از این جاده‌ها در ۱۰ کشوری قرار دارد که عضو سازمان همکاری اقتصادی اکو هستند. این جاده‌ها، مهم‌تر از نقش اقتصادی و تجاری، در انتقال میراث معنوی و مادی جوامع مؤثر بوده‌اند و همچون زنجیره‌ای، پایگاه‌های فرهنگی را به هم وصل کرده‌اند. به همین سبب، این جاده‌ها را به ویژه در کشورهای اکو باید "جاده‌های فرهنگ" نامید. در این مقاله کوشش شده است تا با روش تحقیق تاریخی، نقش میان فرهنگی کشورهای اکو در میراث فرهنگی و تمدنی جاده‌های کهن بررسی شود. میراث ملموس، ناملموس، مکتوب و طبیعی با رویکرد میراث مشترک در کشورهای عضو سازمان اکو، مهم‌ترین ویژگی و میراث جاده ابریشم است و این کشورها می‌توانند نقش مهمی در ثبت جهانی جاده ابریشم ایفاء کنند.

واژگان کلیدی:

اکو، کشورهای عضو، جاده ابریشم، میراث جهانی، پایگاه‌های فرهنگی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۲/۲۹

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۳

^۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی، نماینده ایران در پروژه جاده ابریشم یونسکو

مقدمه

زنجیره پایگاه‌های میان‌فرهنگی جاده‌های ابریشم

نامگذاری جاده‌ها به نام کالاها مادامی اهمیت دارد که توجه شود تا همراه با کالاها؛ مؤلفه‌های فرهنگی، دستاوردهای علمی و آفرینش‌های هنری نیز انتقال یابند. هر کدام از آن کالاها سوار بر شترهای دوکوهانه بلخی، اسب‌های آسمانی فرغانه یا بر عرشه لنج و بکم ساحل‌نشینان ایرانی و هندی و زنگباری، چهارسوی جهان کهن را می‌پیمودند و دست به دست می‌شدند تا طعم فلفل هندی را به ذائقه رومیان بچشانند، طراز سلطانی شاهان ایران و خلفای اسلام را در بیت‌الطراز بخارا به پنبه زندیچی آراسته کنند، یشم و دیبا و کاسه- کوزه چینی زینت‌بخش کاخ‌ها و مساجد اردبیل و استانبول و غرناطه باشد، رنگ شاهانه آبی کاشی ایرانی را زینت پرنقش و نگار کاخ‌های خاقان ختا (چین) کنند، طرح فرش ایرانی در ماچین و شیلا (کره) زینت دیوار خانه شاهزادگان نوeros گردد و اشعار سعدی را به گوش ملوانان چینی و دانش ابن‌سینا را به مکاتب اندلس و سیتة‌های اروپایی برسانند.

جاده‌های بزرگی که به نام و نشان کالاهایی چون ابریشم، عود، فلفل، یشم، پوست، سفالینه و آینه شناخته شده‌اند، در نقشی بسیار مهم، جوامع، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را از جزایر ژاپن و شبه جزیره کره تا چین و آسیای مرکزی و از ایران و غرب آسیا تا دروازه‌های اروپا به هم پیوند می‌دادند. دستاوردهای بشری از این جاده در برقراری ارتباط میان اقوام و سرزمین‌ها تأثیر پذیرفته‌اند: علوم، اندیشه‌ها و مکاتب فکری، ادیان، نظام‌های اداری، شیوه‌های اقتصادی، هنرها، زبان‌ها، ادبیات و شعر اقوام گوناگون در مسیر همین جاده‌ها تکامل و شکوفایی یافته‌اند. بسیاری از لشکرکشی‌ها در مسیر این جاده‌ها روی داده است و بسیاری از مهاجرت‌های بزرگ از همین مسیرها انجام شده است.

نام جاده ابریشم در منابع تاریخی و کهن نیامده است و حدود یک قرن پیش فردیناند ریشتیهوفن^۱ این نام را مطرح کرد، زیرا به گمان او، ابریشم مهم‌ترین کالایی بود که در این جاده‌ها مبادله می‌شد (Waugh, 2007: 1-10). امروزه نام جاده بزرگ ابریشم سخت شهرت یافته و میراث جاده بزرگ ابریشم نیز در همه کشورهای کناره آن مورد توجه است. میراث ملموس و غیرملموس جاده بزرگ ابریشم و جاده‌های مرتبط با آن، با هویت جمعی همه کشورهای کناره این جاده در ارتباط است.

با چنین رویکردی، نمی‌باید مقام و منزلت جاده‌های تجاری و فرهنگی کهن را به مبادلات کالاهایی خاص تنزل داد و بر اساس آنچه بیان شد، جاده‌های بزرگ را می‌توان به نام‌هایی چون جاده‌های هنر، اندیشه، علم، گفت و گو، توسعه، مشاهیر فرهنگی و هنری، فرهنگ‌ها و جاده تمدن‌ها نامید. جاده ابریشم در فرهنگ و تمدن بسیاری از مردمان ساکن کناره خود، روح و هویت دمیده و مانند تار و پود ابریشم، همه فرهنگ‌ها و تمدن‌های کناره جاده را به هم پیوند داده است. به همین سبب، بسیاری از اقوام و سرزمین‌های کناره جاده در شکوفایی تمدن جهانی، هم‌ریشه و همزاد بوده‌اند. زبان، آداب و رسوم، باورها، سورها و سوگ‌ها در میان اقوام گوناگون در مسیر این جاده، پیوند ناگسستنی دارند و در ماهیت نمادین جاده ابریشم و ریشه مشترک تاریخی کشورهای کناره آن خودنمایی می‌کنند و تمدن امروزی جهان به آن رشته‌های پیوند مدیون است. به همین سبب است که باستانی‌پاریزی به عنوان یکی از پیشگامان پژوهش در باره جاده‌های ابریشم، از آن رشته، به «طناب ابریشمین ارتباط فرهنگی» یاد کرده است (باستانی‌پاریزی، ۱۳۸۰: ۲۰۶).

جاده‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در جهان قدیم، مانند رگ‌های تن انسان، همه اعضا را به هم پیوند می‌داد. بهتر است گفته شود که جوامع در سرزمین‌های کناره جاده‌ها، مانند دانه‌های زنجیر به هم پیوسته بودند و یکدیگر را کامل می‌کردند. هر یک از این دانه‌ها، پایگاه میان‌فرهنگی و حلقه ارتباط دو یا چند جامعه، فرهنگ، تمدن و

^۱. Ferdinand von Richthofen (1833 - 1905)

سرزمین همجوار خود بود.^۱ نقش پایگاه در آن بود که کالای تولیدی یا دستاورد فرهنگی و تمدنی را از جامعه یا سرزمینی می‌گرفت و گاه آن را بازآفرینی می‌کرد و به جوامع و سرزمین‌های دیگر می‌داد و این دانه‌های متعدد، زنجیری را که امروز جادهٔ ابریشم خوانده می‌شود به وجود می‌آوردند. این زنجیر در درون خود بر بنیاد روابط سازمان‌یافتهٔ اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی پایدار و مستحکم می‌شد. این استحکام نیز نظام مبادلات تجاری و روابط میان فرهنگی را حرکت می‌داد و رونق اقتصادی یک سرزمین، در نتیجهٔ بهبود اوضاع سیاسی و اجتماعی، می‌توانست باعث شکوفایی دیگر سرزمین‌ها شود. گسست یکی از دانه‌ها، همهٔ آن نظام را دچار دگرگونی و گسست می‌کرد.

منظور از "پایگاه" در این مقاله- به عنوان ظرفی برای ایجاد روابط میان فرهنگی- همهٔ مفاهیم انتزاعی و عینی در معنای موقعیت، موضع، جایگاه، مکان، اساس و دیگر واژگانی است که این مفهوم را تداعی کنند.^۲ دربارهٔ "ارتباطات میان فرهنگی"^۳ تعاریف گوناگونی به دست داده شده،^۴ اما اصطلاح "پایگاه میان فرهنگی" چندان که باید مورد توجه پژوهندگان این حوزه قرار نگرفته است. باید توجه داشت که در این موضوع، مؤلفه‌های "میان فرهنگی" بیشتر از منظر هویت جمعی^۵ بررسی می‌شوند. بیش از

۱. ایدهٔ حلقه‌های زنجیرهٔ فرهنگی- تمدنی را نگارنده در سال ۱۳۹۲ در نشست علمی جادهٔ بزرگ ابریشم (آلماتی- قزاقستان) مطرح کرد و برای موضوع هویت جمعی اقوام و فرهنگ‌های کنارهٔ جاده‌ها مورد تأکید قرار گرفت (Bastani Rad, 2013).

۲. در این معنا، شاید معادل Position بیشتر منظور را برساند، زیرا پایگاه را می‌توان ظرفی دانست که در آن هر نوع مظهر انتزاعی و عینی- جای می‌گیرد، اما واژه‌هایی چون Site, Place, Location, و جز اینها که در معنای مکان (عینی) به کار می‌روند و حتی واژهٔ Situation، که بیشتر حاکی از مفهوم مکان انتزاعی است تا عینی، نمی‌تواند مانند واژهٔ Position در سنخ‌شناسی پایگاه‌های میان فرهنگی به کار روند.

۳. Intercultural Communication

۴. از آن میان: ارتباط میان مردمانی که ادراکات فرهنگی و نظام نمادهای ایشان به اندازه‌ای گوناگون است که می‌تواند در جریان ارتباط، ایجاد اختلال کند، ارتباطات میان فرهنگی نامیده می‌شود (همایون، ۱۳۸۴: ۲۸).

۵. Plural Identity

"تفاوت‌های فرهنگی"^۱، باید به "تنوع فرهنگی"^۲ توجه کرد. پایگاه‌های میان فرهنگی، پیوندگاه فرهنگ‌ها و گاه خرده فرهنگ‌های گونه‌گون برای رسیدن به گونه‌ای از "وحدت فرهنگی"^۳ هستند که نگارنده آن را "روح واحد" می‌خواند و گمان دارد که با این عنوان سنخیت تاریخی بیشتری خواهد داشت. این نکته هم قابل تأمل است که وحدت فرهنگی، در مرتبه‌ای والاتر، می‌تواند به گونه‌ای از "همانی"^۴ و "یکسانی" فرهنگی^۴ نائل شود. این موضوع درهم‌تنیده را می‌توان به بیانی ساده چنین نشان داد:

تنوع فرهنگی به آفرینش پایگاه میان فرهنگی می‌انجامد؛ وحدت فرهنگی نیز هویت جمعی را تقویت می‌کند و در نهایت به تقارب و همانی فرهنگی نائل می‌شود.

پایگاه‌های فرهنگی در مسیر جاده‌های تجاری کهن و از منظر تاریخی، می‌توانسته‌اند که در نگاهی کلی، سازمان‌یافته یا غیرسازمان‌یافته تلقی شوند. منظور از سازمان‌یافتگی، هم در ساختار پایگاه‌هاست و هم در "ارتباطات سازمانی بین فرهنگی"^۵ (Lauring, 2011: 231). در قلمروهای گوناگون و جغرافیای سیاسی و مرزهای همواره مستحکم، ارتباطات سازمانی بین فرهنگی میان پایگاه‌ها وجود داشته است. مثال بارز این نوع از پایگاه‌ها، نهادهای متولی امور دینی، عرفان و تصوف، نهادهای آموزشی، خانقاه‌ها و دیگر مراکز فرهنگی است، اما در دوره‌های گوناگون تاریخی، رویدادهای بسیاری، موجب از هم گسستن پایگاه‌های فرهنگی شده‌اند. تغییرات اجتماعی و سیاسی در یک سرزمین، به سرعت بر دیگر سرزمین‌های مسیر جاده تأثیر می‌گذاشت. با این همه، جوامع، فرهنگ‌ها و ساکنان سرزمین‌های گوناگون در طی زمان، به فرایندهایی برای بازسازی زنجیره فرهنگی و تمدنی پس از دوره‌های ضعف و افول دست یافته بودند و به شیوه‌های گوناگون روابط میان کشورهای کناره مسیر جاده ابریشم را دوباره احیاء می‌کردند.

1. Cultural Differences

2. Cultural Diversity

3. Cultural Unity

4. Cultural Sameness

5. Intercultural Organizational Communication

در کاروان‌ها، تاجران، سیاحان، مبلغان و نمایندگان سیاسی با حرکت در این جاده‌های تاریخی، هنگام عبور از هر سرزمینی به عقاید، آرمان‌ها، فرهنگ، تمدن، هنرها و آداب و رسوم اقوام در این مسیرها احترام می‌گذاشتند و در همین رابطه مسالمت‌آمیز، عناصر فرهنگی و تمدنی مبادله می‌شد. در این جاده‌ها، وحدت و کثرت به صورت توأمان هویت جمعی و فردی پدید می‌آورد؛ یعنی اقوام و سرزمین‌ها در دو سطح کلان و خرد هویت می‌یافتند. در حالی که جوامع و سرزمین‌ها با هم اشتراک فرهنگی داشتند و هر کدام از دستاوردهای فرهنگی و تمدنی دیگری بهره می‌بردند، هر جامعه و سرزمین، عناصر فرهنگی ویژه خود را داشت که از هویت محلی یا ملی آن سرچشمه می‌گرفت. این موضوع خود نشان‌دهنده پیوند معنادار دو مقوله "وحدت" و "کثرت" در گستره فرهنگی - تجاری جاده‌هایی است که کشورهای عضو سازمان اکو در میانه آن و هسته اصلی تشکیل‌دهنده این پایگاه‌ها قرار دارند. باید در نظر داشت که چندفرهنگی^۱ به نشانه تنوع،^۲ مهم‌ترین عامل غنای گستره تاریخی و فرهنگی این کشورهاست و عاملی چون جاده ابریشم، پیونددهنده خرده‌فرهنگ‌ها و تشکیل‌دهنده "روح واحد" در این گستره و تکوین مؤلفه‌ای فراگیر با عنوان "وحدت در عین کثرت" است.

در دو قرن اخیر، همزمان با تحولات گسترده در مسیرهای تجاری، به ویژه برخی از رویکردها در اقتصاد سیاسی و تغییر در شماری از مسیرها، برخی از دانه‌های زنجیره میان‌فرهنگی در مسیر جاده ابریشم از هم گسست و تا زمانی که این دانه‌ها (پایگاه‌های میان‌فرهنگی)، با تأکید بر پشتوانه تاریخی، هویت فرهنگی و نیازهای اقتصادی امروزی به یکدیگر متصل نشوند، آن زنجیره کامل نخواهد شد. رونق پایگاه‌های میان‌فرهنگی در جاده ابریشم، زمینه برخورداری همه جوامع واقع در این مسیر را از نتایج فرهنگی و اقتصادی آن فراهم می‌آورد. یکی از مهم‌ترین اقدامات که می‌تواند نقش تاریخی جاده ابریشم را احیاء کند، توجه به پایگاه‌های فرهنگی مسیر این جاده و سهیم کردن هر یک

^۱. Multicultural

^۲. Diversity

از آنان در بازسازی آن زنجیره فرهنگی و اقتصادی است؛ در واقع باید هر کشور و جامعه، به نقش خود در احیای کارکردهای فرهنگی و اقتصادی جاده‌های ابریشم آگاه شود. با این رویکرد، نقش کشورهای میانی جاده‌ها که اینک بخش مهمی از آنها در پیمان همکاری اقتصادی - فرهنگی اکو با یکدیگر همکاری دارند، به عنوان حلقه‌های واسط در زنجیره جاده‌ها قابل توجه است. انتخاب نمونه‌هایی از پایگاه‌های میان فرهنگی در کشورهای عضو سازمان اکو سخت، پیچیده و تقریباً ناممکن است؛ سبب این پیچیدگی، در فراوانی و تنوع پایگاه‌ها و در عین حال پیوند ناگسستنی است که میان هر پایگاه با پایگاه‌های دیگر وجود دارد. در نگاهی کلی، سه دسته از میراث فرهنگی را می‌توان برشمرد، ملموس، ناملموس و مکتوب^۱ که هر کدام به وجوه گسترده دیگری بخش پذیرند و نکته مهم آن است که تا چه اندازه می‌توانند میراث مشترک تلقی شوند.

میراث فرهنگی مشترک در کشورهای عضو اکو

از میان سه دسته میراث فرهنگی ملموس، ناملموس و مکتوب، میراث فرهنگی ناملموس (معنوی) حوزه وسیع‌تری از دو دسته دیگر دارد و چنین به نظر می‌رسد که تعیین مرز مشخص و روشن برای تعیین قدمت، قلمروی تأثیر، انحصار در مالکیت و آفرینش، تعلق به تبار خاص و دیگر مشخصه‌های شناسنامه‌ای بسیاری از پایگاه‌های میراث فرهنگی ناملموس ناممکن است. به همین سبب، بهتر است که این میراث را از دریچه "میراث مشترک"^۲ بررسی کرد (Noyes, John E. 2012: 447 - 471)، زیرا علاوه بر اینکه ریشه در مولفه "روح واحد" دارند، تنوع و چند فرهنگی از عوامل مهم در غنای میراث مشترک محسوب می‌شود. مهم‌ترین ویژگی میراث ناملموس زنده بودن و

^۱. این تقسیم‌بندی برداشتی است از سه گونه میراث ملموس (Tangible Heritage)، ناملموس (Intangible Heritage) و مکتوب (Documentary Heritage) که اساس ثبت جهانی دستاوردهای فرهنگی و تمدنی بشر است و علاوه بر آن، می‌باید میراث طبیعی (Natural Heritage) را نیز افزود.

^۲. Common Heritage

بردوام ماندن آن در پیوند با یک یا چند جامعه است (UNESCO, 2003).^۱ در این صورت است که می‌تواند بین جوامع گوناگون منتقل شود، تکامل یابد و متناسب با محیط‌های مختلف، دچار تغییر صوری و نه ماهوی گردد. میراث مشترک نقش مهمی در توسعه پایدار دارد و برخی از کشورها به ویژه گستره فرهنگی موسوم به اکو و از آن میان، گستره تاریخی ایران زمین، نقش مهمی در بردوام نگه‌داشتن شیوه‌های توسعه در مقوله میراث و از آن میان میراث مشترک داشته‌اند. مادام که سخن از میراث مشترک به میان می‌آید، "جدایی"، "تفرقه"، "کوشش برای ساخت "هویت جعلی" و دیگر مقوله‌های نابخردانه جایی برای جولان نخواهند داشت.

میراث فرهنگی ملموس وضعیت دیگری دارد؛ دست کم اینکه در این نوع از میراث، تعیین قدمت آسان‌تر، قلمرو تأثیر مشخص‌تر، آفریننده شناخته‌شده‌تر، تبارشناسی این میراث واقعی‌تر و حتی شناخت مالکیت با در نظر داشتن مرزهای سیاسی امروز یا بدون آن، آسان‌تر خواهد بود. این میراث بر حسب آنکه قابلیت حفظ و نگهداری داشته باشد یا نه، مورد توجه قرار می‌گیرد^۲ لویج، کنوانسیون‌ها و قوانین گوناگونی برای پاسداری^۱ و ثبت

۱. در باب "میراث ناملموس" نه تنها مراکز پژوهشی با رویکرد مطالعاتی میان فرهنگی و میراث فرهنگی، بلکه حتی نهاد متولی معرفی میراث ناملموس در سطح جهانی - یونسکو - هم چندان که باید، تعریف واحدی از میراث فرهنگی ناملموس به دست نداده است، زیرا این موضوع پیوسته در حال تغییر و گسترش است. برای نمونه بنگرید به پاسخ یونسکو به همین پرسش:

<http://www.unesco.org/culture/ich/en/what-is-intangible-heritage-00003>

تعریف میراث فرهنگی ناملموس در کنوانسیون ۲۰۰۳ م. یونسکو که مبنای ثبت جهانی آثار است، مؤید ویژگی‌های این نوع میراث است:

«میراث فرهنگی ناملموس به معنای رفتارها (رسوم)، نمایش‌ها، تجلیات، دانش، مهارت‌ها و همچنین به عنوان وسائل، اشیاء، آثار باستانی و فضاهای فرهنگی در پیوند با آنهاست که جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد به عنوان بخشی از میراث فرهنگی خود قلمداد می‌کنند. میراث فرهنگی ناملموس، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، مدام توسط جوامع و گروه‌ها در واکنش و تعامل با محیط و طبیعت و تاریخ، خود را بازآفرینی می‌کند، حس هویت و تداوم به آنها می‌بخشد و بنابراین احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت انسانی را ترویج می‌کند. در راستای این کنوانسیون، به آن دسته میراث ناملموسی توجه می‌شود که با اسناد بین‌المللی حقوق بشر موجود و لزوم احترام متقابل در میان جوامع، گروه‌ها و افراد و توسعه پایدار، سازگار باشد» (UNESCO, 2003: 2).

۲. در این باره رجوع شود به سند یونسکو در باره تعریفی که از میراث ملموس به دست داده است:

<http://www.unesco.org/new/en/cairo/culture/tangible-cultural-heritage/>

جهانی میراث ملموس وجود دارد (نصرالهی، ۱۳۹۵: ۵۵-۱۵). افزون بر این، زمانی که از میراث نوشته (مکتوب) سخن به میان می‌آید، تعریف مربوط به آن نیز، پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. بر پایهٔ تعریف یونسکو، میراث مکتوب سندی است که «چیزی را با یک هدف معنوی ثبت کرده باشد» و برای آن گونه‌هایی بسیار برمی‌شمارد. میراث مکتوب در چارچوب کوشش‌های بشری تولید شده و به حافظهٔ جمعی یک گروه، جامعه، ملت یا منطقه تعلق دارد. تأثیر این قبیل میراث در تکوین، بالندگی، استمرار و تقویت مؤلفه‌های هویتی درازمدت است و بر این اساس است که دستورالعمل برنامهٔ حافظهٔ جهانی، با تکیه بر میراث ماندگار در موزه‌ها، آرشیوها و کتابخانه‌ها مستند می‌شود.^۲

بر پایه آنچه بیان شد، نمونه‌هایی از پایگاه‌های فرهنگی گسترهٔ جغرافیایی سازمان اکو، که در کناره‌های جاده‌ها، در پیوند میان فرهنگ‌های گوناگون و ایجاد "روح واحد" و "میراث مشترک"، در عین "کثرت فرهنگی" و "چندفرهنگی" مؤثر بوده‌اند، بیان می‌شود:

الف) میراث ملموس (معماری و سازه‌ها): محله و کوی، گذر و کوچه، مسجد و مدرسه، آرامگاه، کاخ و باغ، کاروانسرا، آب‌انبار و بخچال، پل، کاریز (قنات)، سد و بند، خندق، برج، بارو، دروازه، قلعه، ارگ، دژهای راهداری، میل‌بلد، مناره، بازار و ده‌ها گونهٔ دیگر از میراث ملموس؛ همچنین آرایه‌های ساختمان‌ها مانند آجرکاری، کاشی‌کاری، گچ‌بری، سنگ‌تراشی، دیوارنگاری و مانند اینها، هر کدام از این گونه آثار در هر یک از کشورهای عضو این سازمان، بی‌آنکه در نقشه، مکان‌یابی، کارکرد، اهداف ساخت و حتی سازندگان، مصالح و آرایه‌های متناسب با دوره‌های گوناگون تفاوت بنیادین داشته باشند، تنها در برخی جزئیات تفاوت دارند و همهٔ آنها، حاکی از چندفرهنگی، تابع فرهنگ واحد و یا بهتر است گفته شود "روح واحد" هستند و این مسأله بارزترین ویژگی برای میراث مشترک است. برای نمونه، طرح کاروانسراها در همهٔ کشورهای عضو سازمان اکو از الگوهای خاصی پیروی می‌کند که ریشه در سرزمین مادری‌اش - ایران - دارد. از هزاران

^۱. Protecting the Tangible Heritage

^۲. <http://www.unesco.org/new/en/santiago/communication-information/memory-of-the-world-programme-preservation-of-documentary-heritage/what-is-documentary-heritage/>

کاروانسرای سالم یا نیمه‌ویران در ایران، ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، ترکیه، جمهوری آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و سین کیانگ (ختن)، تنها چند نمونه استثناء مانند زین‌الدین (در جاده یزد - کرمان) طرح چهار ایوانی ندارند؛ همان طرحی که مدارس و مساجد هم بر اساس آن ساخته شده‌اند. نه تنها در قلمرو جغرافیایی، بلکه در قلمرو زمانی نیز چنین است: این آثار چه متعلق به سده‌های نخستین اسلامی باشند، یا دوره سلجوقیان یا قاجاریه، ریشه در همان الگوی معماری دوره ساسانیان و پیش از آن دارند. همه این آثار در یک ظرف زمانی و مکانی می‌گنجند، اگر چه خرده‌فرهنگ‌های مختلف تابع یک "روح واحد" آنها را آفریده باشند.

این نظر را در باره بیشتر گونه‌های میراث ملموس می‌توان طرح کرد: قنات، چه در آسیای مرکزی حفر شده باشد یا در آسیای صغیر، چه در سواحل شمالی خلیج فارس یا گرداگرد کویر مرکزی ایران، از یک طرح ثابت و همیشگی بهره برده است؛ همان طرحی که بیش از ۲۰۰۰ سال در ایران رواج داشته است و بیش از ۳۰۰۰۰۰ کیلومتر چاه را با همین طرح کنده‌اند.

ب) میراث ناملموس و میراث مکتوب: مادام که فرهنگ "پویایی خود شدن جامعه در فراگرد زمان" (تکمیل همایون، ۱۳۸۰: ۱۱۳) باشد، در دو سطح خرد و کلان، مؤلفه‌های هویتی خود را عرضه می‌کند. بر این اساس، میراث معنوی متناسب با دایره تأثیر فرهنگ اهمیت می‌یابد. مهم نیست که برخی از دستاوردهای فرهنگی در کدام گستره جغرافیایی آفریده شده‌اند، مهم این است که تا چه شعاعی نسبت به آن احساس تعلق می‌شود. برخی از وجوه میراث ناملموس را که در پیوند با جاده‌های کهن در گستره میراث مشترک کشورهای عضو سازمان اکو تکوین یافته، منتقل شده و پویایی و خودشدگی را حفظ کرده‌اند، می‌توان بدین گونه برشمرد: زبان و ادبیات، دین و مذاهب، آداب و رسوم، آیین‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها، سورها و سوگ‌ها، تبار قومی، دانش و علوم در حوزه‌های گوناگون، مهارت‌ها، آفرینش‌های هنری مانند خوشنویسی، نگارگری، کتابت.

از این میان، برخی از موارد ثبت شده جهانی به یک یا چند کشور از مجموعه کشورهای عضو سازمان اکو مربوط می‌شود. برای نمونه در بخش ادبیات فارسی، کوشش‌های جاری کشورهای ایران، افغانستان و ترکیه در ثبت مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی رومی، قابل تأمل است. در آیین‌ها و جشن‌ها، ثبت جهانی نوروز با محوریت ایران و همکاری کشورهای حوزه فرهنگی نوروز از نمونه‌های مهم در جهان است که بیشترین شمار کشورها به پاسداشت آن افتخار می‌کنند. اگر چه ۸ کشور از مجموعه کشورهای عضو سازمان اکو به همراه چند کشور دیگر بیرون از این سازمان، در قطعنامه روز جهانی نوروز ایرانی به عنوان "فرهنگ صلح" در کنار ایران قرار گرفتند، اما دیگر کشورهای عضو سازمان هم این روز را جشن می‌گیرند. از دیگر سو "فرهنگ پخت نان لواش" هم که به تازگی از سوی چند کشور عضو سازمان اکو (ایران، آذربایجان، قرقیزستان، قزاقستان و ترکیه) و با محوریت ایران و در زمره میراث ناملموس به ثبت جهانی رسیده است، نشان دهنده نقش این گونه میراث در تقارب فرهنگی کشورهاست.

ثبت جهانی میراث مشترک جاده ابریشم

جاده‌های ابریشم در طی مسیرهایی از شرقی‌ترین شهرها و روستاهای آسیا آغاز و تا غربی‌ترین نقاط اروپا، شمال و شرق آفریقا، هزاران کیلومتر راه را به یکدیگر پیوند می‌دهند. این مسافت شامل همه راه‌های آبی^۱، خشکی^۲، اصلی و فرعی می‌شود که امروزه نام‌های گوناگونی علاوه بر نام ابریشم برای آنها پیشنهاد می‌شود. کشورها برای ثبت بخشی از این جاده‌ها در یونسکو اقدام کرده‌اند؛ مانند کوشش چین و قرقیزستان و قزاقستان برای ثبت جاده چانگ‌آن-تین‌شان^۳ در سال ۲۰۱۴ م. این جاده ۵۰۰۰ کیلومتر از شبکه گسترده جاده ابریشم را از چانگ‌آن/لئویانگ، پایتخت مرکزی چین در زمان سلسله‌های هان (۲۰۶ ق. / ۲۲۰ م.) و تانگ (۹۰۷-۶۱۷ م.) به صحرای جنوبی

1. Maritime

2. Land Road

3. Chang'an-Tianshan

قزاقستان در شمال کوه‌های تین‌شان پیوند می‌دهد و از اجزاء آن، کاخ‌ها، آثار وابسته به راه و کاروان، شهرک‌های تجاری، معابد بودایی غارهای بودایی، بخشی از دیوار بزرگ، استحکامات، مقبره‌ها و ساختمان‌های مذهبی است (UNESCO, 2014).

گذشته از این نمونه، برای ثبت بخش‌های دیگر این جاده‌ها کوشش چندانی صورت نگرفته است. می‌دانیم که هزاران کاروانسرا متعلق به این جاده‌ها می‌تواند سندی برای ثبت کاروانسرا از سوی ایران باشد و در کنار آن، طرح و نقشه کاروانسرا، کارکرد، موقوفات و اماکن وابسته به این بنا و راه و کاروان به ثبت جهانی برسد. یا جاده شاهی^۱ به عنوان بخشی از جاده‌های کهن، از سوی ایران به ثبت برسد. این جاده‌ای است که داریوش، از طریق آن، بابل (تیسفون/ بغداد) را به شوش و شرق کوه‌های زاگرس در محدوده همدان از یک‌سو و میان‌رودان را به سارد و آسیای صغیر از سوی دیگر پیوند داد و بیشترین حجم آثار وابسته به راه، کتیبه‌های یادمانی و مستندات در کناره آن قرار دارد (Briant 2002: 357–364) و برخی از این آثار مانند سنگ‌نبشته داریوش در بیستون ثبت جهانی شده است.^۲ افزون بر این، چند سال است که مجموعه‌ای کم‌نظیر از ده‌ها پل تاریخی در لرستان مربوط به دوره ساسانیان و متعلق به همان راه شاهی در فهرست نامزدهای ثبت جهانی قرار گرفته و هنوز به ثبت نرسیده است (UNESCO, 2008)، اما باید کوشید تا میل‌بلدها، آب‌انبارها، یخچال‌ها و دیگر انواع بناهای وابسته به راه و کاروان نیز به ثبت جهانی برسند. مجموعه میراث ملموس که یک یا چند کشور یا همه اعضای اکو آن را به عنوان میراث مشترک به ثبت جهانی برسانند، بسیار قابل تأمل است. دست‌کم شاهراه تجاری ورارود-خراسان-استانبول از جمله این راه‌هاست؛ جاده‌ای که صدها کاروانسرا، هزاران روستای تاریخی، ده‌ها فرهنگ به مثابه خرده‌فرهنگ‌های متنوع تابع روح واحد، صدها آرامگاه و برج، صدها قلعه راهداری و حافظ شهرها و روستاها، صدها پل، قنات، آب‌انبار، میل بلد و مانند اینها را در خود جای داده است و پیوند دهنده کشورهای گوناگون عضو سازمان اکو است.

^۱. Royal Road / King's Road / Shahi Road.

^۲. در باره قابلیت‌های این جاده و آثار در پیوند با آن، رک: جلیلیان، ۱۳۹۱: ۵۸ - ۴۳.

میراث مشترک جاده ابریشم موضوع مهمی است که باید در تفاهم‌نامه‌هایی میان همه اعضای سازمان اکو یا چند عضو در عرصه جهانی ثبت شود. مادام که سخن از میراث مکتوب یا ناملموس در میان باشد، اهمیت موضوع میراث مشترک در همکاری‌های فرهنگی کشورهای عضو سازمان اکو افزایش می‌یابد. برخی منابع، نمونه‌های بسیار جالبی از اهمیت میراث مشترک در پیوند با جاده‌ها به دست می‌دهند، مانند سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، جاده‌هایی که او در آن زمان، در گستره تاریخی ایران‌زمین، شام و مصر پیمود، بخش وسیعی از کشورهای افغانستان، ایران، ترکمنستان، ترکیه، تاجیکستان و کشورهای غیرعضو سازمان اکو مانند سوریه، لبنان، اردن، فلسطین، مصر، سودان، عربستان و عراق کنونی را شامل می‌شود. سفرنامه ناصر خسرو به میلیون‌ها پارسی‌زبان در شماری از این کشورها تعلق دارد و مسیر سفرهای او چند کشور دیگر را هم در بر می‌گیرد: وی بخش مهمی از جاده‌های موسوم به ابریشم را پیمود و آگاهی‌هایی که به دست می‌دهد، به مثابه بخشی از میراث مشترک این جاده‌هاست. همچون مشایخی از عارفان که بر بستر جاده‌های کهن، سیر آفاق و انفس کردند، حتی اگر سفرنامه مدون نداشته باشند. مهم‌تر از این گونه میراث مکتوب، می‌توان در تاریخ نوشته‌های جغرافیایی، میراث مستند جاده‌ها را جست و جو کرد، در کتاب‌هایی مانند *حدودالعالم من المشرق الی المغرب، مسالک و ممالک، صورةالارض، احسنالتقاسیم فی معرفةالاقالیم، اشکالالعالم* و نمونه‌های بسیار دیگر که اساساً به زبان فارسی است و برخی دیگر ترجمه‌های کهن به فارسی دارند و نویسندگان این آثار، ایرانی‌تبارند، یا در پیوند با فرهنگ مشترک با قلمرو ایران‌زمین بوده‌اند. این کتاب‌ها بیشترین آگاهی‌ها را در سده چهارم هجری قمری/دهم میلادی در باره جاده‌ها، شهرها و روستاهای کناره جاده‌ها، بناهای وابسته به راه و کاروان و آنچه که اینک با عنوان قابلیت‌های جاده‌های ابریشم مطرح است، به دست داده‌اند. اهمیت نقشه‌های راه‌ها و مطالب این کتاب‌ها به اندازه‌ای است که برخی از این آثار مانند *مسالک و ممالک* نوشته اصطخری در میراث مکتوب یونسکو به ثبت رسیده است. همچنین نقشه‌های تاریخی خلیج فارس که به همت وزارت امور خارجه به ثبت جهانی رسید، مشتمل بر بخش مهمی از آگاهی‌ها در باب راه آبی جنوب گستره کشورهای اکو هست (UNESCO, 2013).

نتیجه

جاده ابریشم، تنها یک شاهراه نیست، بلکه مجموعه و شبکه‌ای از راه‌هایی است که در سراسر آسیا و بخش‌هایی از اروپا و حتی شرق و شمال آفریقا کشیده شده است؛ این جاده‌ها پیوند دهنده فرهنگ‌ها، راه انتقال کالاها، علوم، تجربه‌ها و از عوامل مهم در تشکیل جوامع با روح واحد و میراث مشترک بوده‌اند. بخش مهمی از این جاده‌ها از کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی اکو می‌گذرند. در کناره این جاده‌ها انواع میراث ملموس (مادی)، ناملموس (معنوی)، مکتوب (مستند) و طبیعی از نسلی به نسلی منتقل شده، بر دوام مانده و حتی هنوز هم نقش‌آفرینی می‌کنند. بستر جاده‌ها به عنوان انتقال‌دهنده کالاها، علوم، دانش‌ها، صنایع و پیونددهنده فرهنگ‌ها، خود از جمله مهم‌ترین میراث بر جای مانده برای بشر است. این میراث میان کشورهای کناره آن مشترک است و به هیچ‌روی به شهر، کشور، جامعه، فرهنگ و منطقه خاصی تعلق ندارد.

کشورهای عضو سازمان اکو به عنوان پایگاه‌های میان‌فرهنگی این جاده که به صورت حلقه‌هایی از زنجیره جاده‌ها با یکدیگر در پیوند هستند، بی‌هیچ اغراق و زیاده‌خواهی مهم‌ترین بستر گذر جاده‌ها و پیوند دهنده شرق و غرب با یکدیگر بوده‌اند. روزگاری این کشورها از حکومتی واحد و مرکزی پیروی می‌کردند که بر بخش وسیعی از ایران‌زمین، از آسیای مرکزی تا آسیای غربی فرمان می‌راند و همان کشورها، اینک تابعی از روح واحد، فرهنگ و تاریخ مشترک و البته با خرده‌فرهنگ‌ها و گستره‌ای چندفرهنگی هستند.

برخی از میراث این جاده‌ها، می‌تواند از سوی کشوری خاص به ثبت جهانی برسد، مانند میراث ملموس وابسته به راه و کاروان، اما بسیاری از دستاوردهای جاده‌ها در مبادله، انتقال و تعامل فرهنگ‌ها، علوم، دانش‌ها، ادیان و مذاهب، زبان و ادبیات، می‌باید با روح همکاری آمیخته شود، تابعی از "روح واحد" قرار گیرد و با رویکردی میان‌فرهنگی و در مجموعه میراث و تاریخ مشترک به ثبت جهانی برسد، تا هم به تقارب فرهنگی بیشتر بیانجامد و هم نقش تاریخی فرهنگ‌های سازنده این گستره جغرافیایی بیشتر نمایان و ایفاء گردد.

منابع و مأخذ

باستانی پاریزی، محمدابراهیم، ۱۳۸۰، *زندهای هفت‌سر (راه ابریشم)*، تهران: نامک.
تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۸۰، "که فرهنگ آرایش جان بود"، فصلنامه پل فیروزه، سال یکم، شماره یکم، پاییز، صص ۱۱۷-۱۰۹.
جلیلیان، شهرام، ۱۳۹۱، بیستون، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
نصرالهی، عبدالله، ۱۳۹۵، *جهانی شدن میراث فرهنگی ملموس (پیدایی، مبانی، مصادیق)*، تهران: پرهام نقش.
همایون، محمدهادی، ۱۳۸۴، *جهانگردی ارتباطی میان فرهنگی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

Bastani Rad, Hassan, 2013, "The role of common identity in communities along the Great Silk Roads," *The International Forum on the Great Silk Road*, UNESCO, Almaty, Kazakhstan: 14-16 October (Unpublished).
Online: <http://en.unesco.org/silkroad/events-festivals/international-forum-great-silk-roads-0>

Briant, Pierre, 2002, *From Cyrus to Alexander: A History of the Persian Empire*, Translated by Peter T. Daniels. Winona Lake, Indiana Eisenbrauns.

Lauring, Jakob, 2001, "Intercultural Organizational Communication: The Social Organizing of Interaction in International Encounters," *Journal of Business Communication*; July, Vol. 48 Issue 3, p. 231 - 242.

Noyes, John E. 2012, "The Common Heritage of Mankind: Past, Present, and Future," California Western School of Law, CWSL Scholarly Commons, 40 Denv. J. Int'l L. & Pol'y, VOL. 40:1-3, pp. 447 – 471. Online: <http://scholarlycommons.law.cwsl.edu/fs>

UNESCO, "Tangible Cultural Heritage,"

Online:<http://www.unesco.org/new/en/cairo/culture/tangible-cultural-heritage/>

UNESCO, "What is documentary heritage,"

<http://www.unesco.org/new/en/santiago/communication-information/memory-of-the-world-programme-preservation-of-documentary-heritage/what-is-documentary-heritage/>

UNESCO, 2003, *Convention for the Safeguarding of the intangible Cultural Heritage* (MISC/2003/CLT/CH/14), Paris, 17 October, Online:

<http://unesdoc.unesco.org/images/0013/001325/132540e.pdf>

UNESCO, 2008, "The Collection of Historical Bridges,"

Online: <http://whc.unesco.org/en/tentativelists/5273/>

UNESCO, 2013, "A Collection of selected maps of Iran in the Qajar Era (1193 - 1344 Lunar Calendar / 1779-1926 Gregorian Calendar),"

Online:<http://www.unesco.org/new/en/communication-and-information/memory-of-the-world/register>

UNESCO, 2014, "Silk Roads: the Routes Network of Chang'an-Tianshan Corridor," Online: <http://whc.unesco.org/en/list/1442>

Waugh, Daniel C. 2007, "Richthofen's Silk Roads: Toward the Archaeology of a Concept." *The Silk Road*. Volume 5, Number1, Summer. pp. 1-12.